

## بسم الله الرحمن الرحيم

### پیام‌هایی به اهل مصر کنانه!

(ترجمه)

1- غرب هنوز بر ما حکومت می‌کند و بدترین‌ها را از میان ما برای حاکمیت سرزمین‌های ما انتخاب کرده است: استعمار حاکم بر سرزمین‌های ما تغییری نکرده است، و اگر چهره آن تغییر کرده فقط در افزایش زشتی و وحشی‌گری آن است. در گذشته، غرب سرزمین‌های ما را با قدرت نظامی‌اش اشغال کرده و خود آن را اداره می‌کرد. بنابر این، ما دیدیم که نماینده عالی بر مصر حکم می‌کند و فیصله او بالاتر از فیصله پادشاه تا پایان جنگ جهانی دوم بود، آمریکا به آن سرزمین طمع کرد و تلاش نمود تا وراث واقعی غرب در مستعمرات خود باشد، انقلاب ژوئیه وقفه‌ای بین دو دوره استعمار در مصر و تغییر در رویکرد مزدوری و دوستی رژیم از انگلیس به آمریکا بود.

انقلاب ژوئیه به معنای واقعی یک انقلاب مردمی نبود، بلکه یک کودتای نظامی بود که در آن حاکمیت مصر از انگلیس به آمریکا تغییر یافت، چنانچه مایلز کوپلند در کتاب خود به نام "بازی ملت‌ها" می‌گوید: ابزار بازی ملت‌ها همانطور که در پنتاگون خوانده می‌شد تغییر کرد. وی در کتاب خود گفته است: «با صراحت بیشتر، باید گفت که گاهی اوقات ما مجبور بودیم حاکمی را که ثابت می‌شد مانع اجرای برنامه‌های ما در یکی از سرزمین‌هاست حذف کنیم.» سپس می‌گوید: «بدیهی است که جانشین حاکم برکنار شده آمادگی کامل را دارد تا مسیری را بپیماید که منافع ما را در آن تضمین شده باشد.» وی در مورد جمال عبدالناصر گفت: «حاکمانی مانند ناصر نسبت به دیگران اولویت داشتند؛ زیرا به دست گرفتن قدرت توسط این‌ها بهترین فرصت یا حداقل شرایط بد را برای موفقیت بازی ما فراهم می‌کند.» وی ادامه داد: «با این تفاوت که ناصر کاملاً از نوع دیگری بود، او تا حدی به سازش کردن عادت کرده بود که ما هر نفعی را بدون در نظر گرفتن ضرر او به مصالح خود ذخیره می‌کردیم. ناصر توانایی تصمیم‌گیری قاطع در شرایط بحرانی را داشت که برای ما برخی از دستاوردها و غنائم به دست خواهد آورد بدون اینکه اجازه دهد توده‌های مردم حقیقت آن را ببینند.»

قبل از انقلاب ژوئیه، بریتانیا عملاً حاکم مصر بود و تمام خاور میانه از دولت و مخالفان آن، از وی متابعت می‌کردند تا این که آمریکا توانست، افسرانی را بدست بگیرد که خود را آزاد می‌نامیدند، در حالی که برده آمریکا بودند و از فرمان سفیرش در قاهره پیروی می‌کردند تا جایی که برنامه‌ریزی برای انقلاب و برخی جلسات آن در خانه سفیر انجام می‌شد. سادات در کتاب خود به نام "البحث عن الذات" در فصل چهارم کتاب می‌گوید: «قبل از اعلام انقلاب، ما در مورد تماس با آمریکایی‌ها فکر می‌کردیم تا به آن‌ها ایده‌ای درباره اهداف و ماهیت انقلاب بدهیم، راه ارتباطی ما از طریق علی صبری مسئول اطلاعات هواپیمایی بود. کسی که وابسته نظامی آمریکایی در قاهره دوست او بود، وی پیام را به آقای کافری، سفیر وقت آمریکا منتقل می‌کرد.» در همان فصل، سادات می‌گوید: «کافری این عمل را خوب قلمداد کرد، زیرا چند شب بعد از قیام انقلاب آن‌ها را به جلسه دعوت کرد، و تمام اعضای شورای انقلاب در زمانی که انگلیسی‌ها تمام تلاش خود را برای شناخت انقلابیون انجام می‌دادند، در منزل وی در سفارت شام غذا خوردند.» سادات در فصل ششم کتاب می‌گوید: «عبدالناصر پس از رد هشدار انگلیسی-فرانسوی، درخواستی را به سفیر آمریکا، رانموندهار

فرستاد و نامه‌ای به آیزنهاور فرستاد و گفت: «امیدوارم از متحدان خود انگلیس و فرانسه مراقبت کنی، و برای من (اسرائیل) را ترک کن تا از آن مراقبت کنم.» و آیزنهاور پاسخ داد و گفت: «هر کاری را که بتواند انجام دهد، انجام خواهد داد.» سپس سادات ادامه داده می‌گوید: «در 5 نوامبر 1956، آیزنهاور وارد عمل شد و با دادن هشدار به فرانسه، انگلیس و (اسرائیل) خواستار عقب‌نشینی آن‌ها شد و در نتیجه آن‌ها عقب‌نشینی کردند.» این امر باعث شد بن‌گوریون کلمه معروف خود را بگوید: «باید ترسید از آنچه که ترسیدن از آن لازم است.» محمد حسنین هیکال می‌گوید: «یک نماینده دائمی از سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا در قاهره به نام جیمز وجود داشت! و تماس‌های او با رئیس عبدالناصر از طریق خود هیکال بود.» وی در کتاب خود "الطریق الی رمضان" اظهار داشت که ارتباط سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا و مصر با وجود قطع روابط بین دو سرزمین، در تمام دوران عبدالناصر هم‌چنان برقرار بوده است.

به طور خلاصه، این واقعیت رژیم در مصر است که از زمان محمدعلی تا کنون هرگز از زیر چتر غربی بیرون نیامده است، حتی اگر وفاداری‌ها تغییر کرده و متفاوت باشد، سال‌هاست که به نام وطن‌پرستی، ملی‌گرایی و دیگر شعارهای پوچ و فریبنده، مردمی را فریب می‌دهند که تمام اعمال جاهلیت و فقر در میان‌شان رخنه کرده است، گرسنگان‌شان تغذیه نمی‌شود و مشکلات آنان معالجه نمی‌گردد، بلکه به این ترتیب سرزمین‌شان را محل غارت‌گری غرب کافر قرار دادند. ثروت‌هایش را به هر حالی که می‌خواهد با حمایت از فرزندانش که جذب فرهنگ غرب شده‌اند و افکار آن را می‌نوشند غارت می‌کند و این فقط به مصر محدود نمی‌شود، بلکه به همه سرزمین‌های ما بدون استثنا، از شرق به غرب جریان دارد.

این نظام تا هنوز مصر، ارتش و توانایی‌هایش را در خدمت اربابان خود در کاخ سفید قرار می‌دهد، سعی دارد تا همانند ناصر کسانی را به میدان آورد تا با آنچه آمریکا یا سایر کشورهای غربی بدست می‌آورند، صرف نظر از میزان ضرر مصر و مردم آن در مقابل سازش‌گری کند، بلکه در این راستا کمک می‌کند برای جلب قرض‌های که برای مصر و مردم آن فاجعه آور است. با این حال گروهی مسخره از جادوگران او در رسانه‌ها، سعی می‌کنند فکاهی‌های او را در قالب دستاوردهای بزرگ به تصویر بکشند و دروغ گفتن در گوش مردم را بارها و بارها تکرار می‌کنند تا مورد باورشان قرار گیرد.

ای اهل مصر! نجات شما از این نظام مستلزم بازگشت به ماقبل آن می‌باشد و قبل از آن نسبت به شما، حکومت محمدعلی یا پادشاهی نیست، بلکه حکومت اسلام در دولت خلافت بر منهج نبوت، دولت رسول الله صلی الله علیه و سلم و یارانش می‌باشد. - الله سبحانه و تعالی از همه‌شان راضی باشد- آنانی که مصر را فتح کردند و حالتش به همان حال بود و آن را از ظلم و تاریکی رومی‌ها بسوی نور و عدالت اسلام بیرون آوردند، و چون چراغی گردید که مردمش را اعم از مسلمانان و غیر مسلمانان از عدالت برخوردار نمود، تا زمانی که اسلام بر آن‌ها حکومت کرد. وقتی حاکمیت اسلام نابود گردید، ما می‌بینیم که در چه حالتی قرار داریم و آینده بدتر از این خواهد بود تا زمانی که سرمایه‌داری بر سرزمین ما و با ابزارهای کثیف مزدوران خائن خود حکومت کند.

ای اهل مصر! نجات شما در بازگشت به دین شما و ازسرگیری زندگی اسلامی دوباره در دولت خلافت راشد بر منهج نبوت است، که کار آن را حزب التحریر برای شما به طور کامل و آماده برای اجرای فوری حمل می‌کند و هیچ کمبودی ندارد، جز این که شما

هم فکره آن را حمل کنید و حاملین دعوت آن را به آغوش بگیرید تا در عرصه تطبیق قرار داده شود و برای احکام آن واقعیت عملی و تطبیقی فراهم گردد که بشریت آن را ببینند و گروه گروه به اسلام داخل گردند.

ای اهل مصر! سرنوشت شما و سرنوشت این نظام به دستان شما است، کسانی که از آن حمایت و حراست می کنند، فرزندان شما در ارتش هستند، پس دستان آنان را بگیرید؛ زیرا آن ها با سرنوشت شما بازی می کنند و آینده فرزندان شما را به دشمن شما تسلیم می کنند. آنان را منع کنید تا همه نجات یابید و از آنان تقاضا کنید تا آزار غرب و مزدورانش را از شما برطرف گردانند، دست های بازیگر با سرزمین های شما را قطع کنند و سرزمین های شان را از شر حاکمان خیانت کار و مزدور و باران شان مانند نخبگان بد پاک سازند، و از آن ها چیزی کمتر از ریشه کن کردن سرمایه داری پوسیده با همه ایده ها، ابزارها، نمادها و مجریان آن و جایگزینی اسلام به جای آن در سطح نظام، حکومت و زندگی در دولت خلافت راشده بر منهج نبوت قبول نکنید، نظامی که از شما تعبیر می کند، با فطرت و محیط شما هماهنگی دارد، از عقیده شما نشأت گرفته است و پروردگار شما را از شما راضی می سازد، و تنها تضمین برای معالجه مشکلات شما و تضمین آزادی و عزت شما اعم از مسلمانان و غیرمسلمانان خواهد بود چنانکه قبلاً بوده است.

ای فرزندان مخلص در ارتش مصر کنانه، ای فرزندان فاتح عمرو، ناصر صلاح و آل مظفر قطور! این برای شما شرط است و این امر پیش روی شما قرار دارد، امت امت شما بوده و این دین شما است، آنچه غارت می گردد سرمایه های شما است و آنچه غصب شده است زمین شما، مقدسات شما و حرمت های شما می باشد. الله سبحانه و تعالی از فرد فرد شما در روز رستاخیر در مورد این ها پرسان خواهد کرد! در مورد امت، دین و شریعت و احکام آن از الله بترسید تا حجتی در مقابل الله سبحانه و تعالی برای شما باشد که با آن در برابر دشمن خود و دشمن دین خود قیام می کنید، دور بیاندازید تمام ریسمان های را که از این دشمن به گردن آویخته اید و از الله سبحانه و تعالی، رسول او و دوستان او پیروی کنید که برای تطبیق شریعت او در دولت خلافت بر منهج نبوت فعالیت می کنند. بشتابید به سوی چنان بیعتی که بیعت ثانیة عقبه، نصرت انصار و هجرت محض رضای الله و رسول او را تجدید می کند. توسط آن دولتی تأسیس می گردد که کلمه الله را در زمین به مقام رفیعی بلند سازد تا سبب چنان سربلندی برای شما گردد که سبب عزت آسمانی بوده و هیچ عزتی با آن برابری کرده نتواند... الله سبحانه و تعالی آن را نصیب شما گرداند و الله سبحانه و تعالی مصر را برای شما نگین تاج خلافت آینده قرار دهد.

ای بار الهانصرتت را نزدیک فرما و ارتش مصر را اهل نصرت آن بگردان و ما را در زمره سربازان و شاهدان آن قرار بده... ای بار الهانصرتت را ما را اجابت فرما!

2- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَهِهُ

تُحْشِرُونَ﴾ [انفال: 24]

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید! دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید هنگامی که شما را به سوی چیزی می خواند که شما را حیات می بخشد! و بدانید خداوند میان انسان و قلب او حایل می شود، و همه شما (در قیامت) نزد او گردآوری می شوید!

نویسنده: سعید فضل

مترجم: احمد صادق امين